خبرنامۀ انجمن صنفی ویراستاران

صاحب‌امتیاز: انجمن صنفی ویراستاران

هیئت تحریریه: هیئت‌مدیرۀ انجمن صنفی ویراستاران

همکاران این شماره: لیلا اثناعشری | سمیه حسنی | منا رجبیه‌فرد | بهنام رمضانی‌نژاد | سحر شهامت‌رزم | عاطفه صادقی | هومن عباسپور | مهدی قنواتی | مهناز مقدسی | علی‌رضا نیک‌زاد

طراح: وحید هروی

خیابان خرمشهر، خیابان صابونچی، کوچۀ دهم، شمارۀ ۴، واحد ۱ ، تلفن: ۸۸۵۱۴۶۱۴ | www.anjomanvirastar.ir

انجمن صنفی ویراستاران

۲۵

در این شماره می‌خوانید ...

گزارش کمیسیون‌ها

رادیو ویرایش

تازه‌ها

معرفی و نقد کتاب

ضمیمه

«ویراستار باید موضوع‌شناس و مخاطب‌شناس باشد»

کارگاه ویرایش جامع

آخرین جلسۀ کارگاه ویرایش جامع، با تدریس استاد عبدالحسین آذرنگ و با حضور ۳۰ دانشجو در دفتر انجمن صنفی ویراستاران، در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ برگزار شد و در این کارگاه مباحثی در دو بخش نظری و عملی مطرح شد. در بخش نظری به وضعیت نشر در جهان و تفاوت عمدۀ ناشرانِ اثرگزین و ناشرانِ اثرآفرین پرداخته شد و ارتباط نشر و مخاطبان بررسی شد. همچنین مسئولیت‌های ویراستاران از ویراستار صوری و زبانی گرفته تا ویراستار ساختاری و محتوایی و مشاورِ نشر مطرح شد. در بخش عملی، هر جلسه مقاله‌ای نقد و بررسی و با مشارکت دانشجویان ویرایش شد.

استاد آذرنگ یکی از مشکلات ناشران را نداشتنِ واحد پژوهش دانست. واحد پژوهش به ناشر کمک می‌کند که مخاطبان را درست بشناسد، محصول را به‌خوبی تولید کند، مشکلات عرضه و تقاضا را تحلیل کند، از مخاطبان بازخورد مؤثر بگیرد، آسیب‌شناسی کند و برای بهبود مشکلات راهکار بیابد؛ همچنین از تجارب پیشکسوتان و نیروهای مجربِ بازنشسته بهره بگیرد و نظام دستیاری را تقویت کند.

در بخش دیگری از کارگاه به این مطلب اشاره شد که کتاب محصولی است که صرفاً عرضۀ آن تابع نیاز است و عرضه‌اش باعث نیاز می‌شود. ویراستاران حرفه‌ای طراحانِ نیازند و با شگردهایی برای مخاطبان ایجاد انگیزه‌می‌کنند.

در هر جلسه از این کارگاه مهمانانی حضور یافتند، از جمله گلی امامی، اصغر مهرپرور، مهشید نونهالی.

این کارگاه در ۱۰ جلسه برگزار شد.

جلسات هیئت‌مدیره

در نیمۀ اول سال ۱۴۰۲، جلسات هیئت‌مدیره به‌صورت مجازی و حضوری برگزار شد. طی چهار جلسۀ حضوری (۴ اردیبهشت، ۲۱ خرداد، ۱۹ تیر، ۱۹ شهریور) و نیز یک جلسۀ غیرحضوری در مهرماه، گزارش فعالیت‌های کمیسیون‌ها، به‌ویژه کمیسیون آموزش، مطرح شد و برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های پیشنهادی این کمیسیون در هر دو نیم‌سال به تأیید هیئت‌مدیره رسید.

در این جلسات موضوعات متعددی مطرح و دربارۀ آن‌ها تصمیم‌گیری شد که از آن جمله است:

- فعال کردن کمیسیون امور صنفی و حقوقی با نظارت محمدحسین ساکت و همراهی زهره خرمایی و جذب اعضا برای پیوستن به این کمیسیون؛
- ارتباط با مراکز فرهنگی و انتشاراتی شهرها و شهرستان‌ها با کمک اعضای مستقر در آن شهرها؛
- راه‌اندازی رادیو ویرایش با مدیریت علی‌رضا نیک‌زاد و تهیۀ چند برنامه تا پایان سال برای این رادیو؛
- برنامه‌ریزی برای تهیۀ محتوای کارگاه‌های برون‌خط و در صورت امکان تخصیص وبگاه مجزا برای آموزش‌های انجمن؛
- افزایش نرخ ویرایش در نرخ‌نامۀ انجمن با نظارت و تأیید کارگروه نرخ‌نامه؛
- برگزاری کارگاه‌های تخصصی و پذیرفتن دانشجویان از طریق برگزاری آزمون ورودی؛
- ارتباطِ بیشتر با ناشران و مراکز فرهنگی، از جمله اتحادیۀ ناشران و کتاب‌فروشان در زمینۀ آموزش‌های تخصصی؛
- تشکیل کارگروهی برای رتبه‌بندی ویراستاران و بررسی جوانب این امر؛
- تهیۀ پیش‌نویس قراردادِ ویرایش و نظرخواهی از ناشران و ویراستاران و سپس انتشار آن در وبگاه انجمن.

در گزارش دبیر انجمن در جلسۀ ۱۹ شهریور، مجدداً به مشکلات مالی اشاره شد و اینکه با حق عضویت‌های دریافتی امکان تأمین هزینه‌های انجمن وجود ندارد. بنا بر گزارش مکتوب امور مالی، نشر همیشه به‌طور متوسط ماهیانه حدود ۲۰ میلیون تومان بابت تأمین نیروی انسانی و هزینه‌های جاری به انجمن کمک می‌کند. اعضای هیئت‌مدیره ضمن قدردانی از مدیران نشر همیشه پیشنهاد کردند هر یک مبلغی برای حمایت به صندوق انجمن واریز کنند. با این توافق، در تاریخ ۲۲ شهریور، مبلغ ۱۰ میلیون تومان، با حمایت اعضای هیئت‌مدیره، به حساب بانکی انجمن واریز شد.

در جلسات حضوریِ برگزارشده، علاوه بر اعضای اصلی هیئت‌مدیره، اعضای علی‌البدل نیز حضور داشتند.

گزارش کمیسیون‌ها

کمیسیون آموزش

■ کمیسیون آموزش در زمینهٔ برگزاری انواع دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و نیز تهیهٔ جزوه‌های آموزشی فعالیت‌هایی داشته است. برنامه‌هایی که در این کمیسیون تصویب شد و به اجرا درآمد به قرار زیر است:

فعالیت‌های انجام‌پذیرفته در نیمهٔ اول ۱۴۰۲

- خودکارسازیِ امور اداریِ واحد آموزش برای تسهیل در ثبت‌نام، برگزاری آزمون، اطلاع‌رسانی نمرات، ارتباط مدرسان و دانشجویان، بایگانی اطلاعات دانشجویان و کارگاه‌ها و دوره‌ها؛
- صدور گواهی دانش‌آموختگان پنجمین دورهٔ جامع نگارش و ویرایش؛
- برگزاری آزمون‌های ششمین دورهٔ نگارش و ویرایش؛
- صدور گواهی حضور کارگاه ویرایش جامع؛
- ارسال گواهی‌های باقی‌مانده از کارگاه‌ها و دوره‌های پیشین.

کارگاه‌های برگزارشده در نیمهٔ اول ۱۴۰۲

- ششمین دورهٔ جامع نگارش و ویرایش با تدریس گروه مدرسان؛
- کارگاه ویرایش جامع با تدریس عبدالحسین آذرنگ؛
- کارگاه ویرایش رایانه‌ای در ایندیزاین و اینکپی با تدریس علی‌رضا نیک‌زاد؛
- کارگاه دستور زبان فارسی (۱) با تدریس مهدی قنواتی.

کارگاه‌های برنامه‌ریزی‌شده برای نیمهٔ دوم ۱۴۰۲

- کارگاه ترجمه و ویرایش ترجمه از فرانسوی به فارسی با تدریس مهشید نونهالی؛
- کارگاه ترجمه (نظری و عملی) از انگلیسی به فارسی با تدریس دکتر علی خزاعی‌فر؛
- کارگاه صفحه‌آرایی در ایندیزاین با تدریس علی‌رضا نیک‌زاد؛
- کارگاه گام‌به‌گام با شعر خردسال و کودک با تدریس شکوه قاسم‌نیا؛
- کارگاه مقدماتی ویرایش با تدریس هومن عباسپور و مهدی قنواتی.

علاوه بر برنامه‌ریزیِ کارگاه‌های نیمهٔ دوم سال ۱۴۰۲، کمیسیون آموزش جلسات متعددی با اعضای گروه و برخی از صاحب‌نظران برگزار کرد که از آن جمله‌اند: دیدار و مشورت با شکوه قاسم‌نیا، نویسنده و ترانه‌سرای کودک و نوجوان، و نرگس قندیل‌زاده، مترجم عربی به فارسی و مدرس زبان عربی.

کمیسیون امور ویرایشی

■ با برنامه‌ریزی‌هایی که در نیمهٔ اول سال ۱۴۰۲ انجام پذیرفت، کمیسیون ویرایش توانست بیش از ۲۰ ویراستار را به ناشران معرفی کند که از این افراد حدود ۱۵ نفر همکاری خود را با ناشران آغاز کردند.

پیش از این (از سال ۱۳۹۸)، کارگروهی برای جمع‌آوری اطلاعات و توانایی‌های اعضای پیوستهٔ انجمن تشکیل شد و اعضای این کارگروه کاربرگ‌هایی تهیه کردند که مهارت و علایق ویراستاران را می‌سنجید و بدین‌ترتیب بانک اطلاعاتی جامعی حاصل شد. از آن پس، این اطلاعات به‌روزرسانی می‌شود و اعضایی که مهارت کافی و علاقه به همکاری در ویرایش دارند به ناشران معرفی می‌شوند.

اعضای انجمن که مایل‌اند نامشان در بانک اطلاعاتی کمیسیون ویرایش درج شود به رایانامهٔ انجمن به این نشانی پیام بدهند:

anjoman.virastar@gmail.com

روابط عمومی

■ فعالیت‌های روابط عمومی انجمن، علاوه بر رسیدگی به امور اداری، تلاش برای برقراری ارتباط با اعضا و ناشران بوده است. اهم فعالیت‌های بخش روابط عمومی در ماه‌های گذشته بدین قرار است:

- همکاری با کمیسیون امور صنفی و حقوقی برای تنظیم پیش‌نویس قراردادِ ویراستار و ناشر؛
- همکاری با کمیسیون آموزش برای اطلاع‌رسانیِ کارگاه‌های حضوری و برخط؛
- نشست هم‌فکری با برخی از اعضای فعال انجمن برای تقسیم کارهای روابط عمومی در پایان مرداد؛
- همکاری با مجلات جهان کتاب و مترجم برای درج مطالب برخی اعضا.

رادیو ویرایش فعال شد

■ پیرو راه‌اندازی رادیو ویرایش در ۱۱ بهمن ۱۴۰۱، چند برنامه در کارگروه رادیو ویرایش به تصویب رسید که اولین موضوع با عنوان «دربارهٔ رسم‌الخط» در دو برنامه در شهریور و مهر ۱۴۰۲ در فضاهای مجازی منتشر شد.

تور تهران‌گردی انجمن راه‌اندازی شد

■ بنا به درخواست برخی اعضا و تأیید هیئت‌مدیره، برای راه‌اندازی تورهای گردشی و بازدید از مراکز فرهنگی تهران و شهرهای دیگر، با هدف نزدیک‌تر شدن اعضا به یکدیگر و تعامل بیشتر با آنان، با فاطمه مجدنیا و همایون عبدالرحیمی، دو تن از همکاران انجمن که سابقهٔ مدیریت تورهای گردشی در تهران را دارند، گفت‌وگو شد و با حمایت آنان چند برنامهٔ بازدید طراحی و اجرا شد، از جمله بازدید از موزهٔ مقدم و کاخ مرمر (۲۷ مرداد) و بازدید از مجموعهٔ کاخ گلستان (۲۸ مهر).

امیدواریم با هم‌فکری اعضای انجمن این بازدیدها ادامه داشته باشد. پیشنهادهای اعضا برای برگزاری تورهای آتی راهگشا خواهد بود.

کمیسیون امور صنفی و حقوقی

■ کمیسیون امور صنفی و حقوقی با مدیریت محمدحسین ساکت و همراهی زهره خرمایی چند جلسهٔ حضوری و مجازی برگزار کرد. در این جلسات دربارهٔ اولویت‌های کمیسیون هم‌فکری شد. برخی موارد آن بدین قرار است:

- تهیهٔ نامه‌هایی با متن‌های ثابت برای برخی درخواست‌های متداول ناشران و ویراستاران؛
- تعیین معیارهایی برای داوری در رسیدگی به قراردادهای ویراستاران؛
- پیگیری دریافت نشان درجه یک برای اعضای افتخاری از صندوق اعتباری هنر؛
- تهیهٔ قرارداد ویرایش و قراردادن آن در وبگاه انجمن؛
- اطلاع‌رسانی زمان ثبت‌نامِ بیمهٔ تکمیلی در صندوق اعتباری هنر و یاری رساندن به اعضا در این خصوص.

رادیو ویرایش

| علی‌رضا نیک‌زاد |

■ با توجه به جذابیت برنامه‌های صوتی (پادکست) و علاقهٔ مخاطبان به این برنامه‌ها، بر آن شدیم «رادیو ویرایش» را راه‌اندازی کنیم و کارگروهی را برای آن تشکیل دهیم. اولین برنامهٔ رادیو ویرایش پیش‌شماره‌ای بود که به مناسبت زادروز استاد احمد سمیعی (گیلانی) و روز ویراستار در ۱۱ بهمن ۱۴۰۱منتشر شد.

با تشکیل کارگروه «رادیو ویرایش»، برای تولید چندین محتوای صوتی جلساتی برگزار شد و موضوعات چند برنامه به تصویب رسید، از جمله گفت‌وگو با استادان و پیشکسوتان حوزهٔ نشر و ویرایش، بررسی مسائل و مشکلات ویراستاران، معرفی کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در حوزهٔ ویرایش منتشر شده‌اند، مباحث تخصصی و آموزشی مربوط به ویرایش.

انگیزهٔ راه‌اندازی رادیو ویرایش برقرار کردن فضای گفت‌وگو میان خانوادهٔ نشر و ویرایش بوده است و ازاین‌رو، دایرهٔ مخاطبان این رادیو بسیار وسیع است و نویسنده و مترجم و ناشر و کتاب‌فروش و اهالی مطبوعات را، علاوه بر ویراستار، در بر می‌گیرد.

موضوع اولین برنامهٔ «رادیو ویرایش» دستور خط و تشتت در دستور خط فارسی بود که از چهار کارشناس نظرخواهی شد: مهدی قنواتی، رئیس کمیسیون آموزش انجمن صنفی ویراستاران و پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ الهه سوداچی، ویراستار و مدیر کاتالوگ‌های نرم‌افزار طاقچه؛ پژمان موسوی، سردبیر نشریات تجربه و مروارید؛ و هومن عباسپور، نایب‌رئیس انجمن صنفی ویراستاران و سرویراستار نشر چشمه.

این گفت‌وگوها در دو برنامهٔ صوتی منتشر شد و دربارهٔ چیستی دستور خط، مشکلات دستور خط فارسی، و موانع اعمال دستور خط در کتاب‌های الکترونیکی و نشریات مطالبی مطرح شد. در ادامه بخشی از پاسخ‌های دریافت‌شده به یکی از سؤال‌ها آمده است.

■ آیا لازم است دستور خط یکسانی برای زبان فارسی تدوین شود و همه از آن پیروی کنند یا هر ناشر و پدیدآورنده‌ای می‌تواند دستور خط مخصوص خودش را داشته باشد؟

مهدی قنواتی: «به‌طورکلی دستور خط فارسی، یعنی مسائل املایی و پیوسته‌نویسی و جدانویسی، باید تابع یک قاعده و ضابطه باشد. به نظر من، نباید هر فرد یا ناشری درخصوص دستور خط قاعده‌ای وضع کند و آن را ترویج کند. براساس قوانین رسمی کشور، درحال‌حاضر، فرهنگستان زبان و ادب فارسی عالی‌ترین مرجع رسیدگی به خط و زبان فارسی در کشور است و طبیعتاً هر قاعده و قانونی که فرهنگستان پایه‌گذاری می‌کند و آن را اعلام می‌کند همهٔ افراد حقیقی و حقوقی باید از آن پیروی کنند. ممکن است در قواعدی که فرهنگستان وضع کرده ضعف و مشکلاتی وجود داشته باشد. در این شرایط افراد باید قواعد فرهنگستان را نقد کنند و فرهنگستان هم موظف است به این نقدها توجه کند. اما اینکه ناشری کتاب‌های مجموعهٔ خودش را با دستور خط مخصوص خود منتشر کند از نظر من اشتباه است، نه‌فقط به این دلیل که قانونْ فرهنگستان را مسئول تدوین دستور خط کرده است، بلکه پشتوانهٔ دیدگاه‌های فرهنگستان مباحث علمی‌ای است که به ما نشان می‌دهد بهتر است به این ضابطه‌ها تن دهیم.»

الهه سوداچی: «طبیعتاً اگر دستور خط واحدی داشته باشیم، پیروی از آن برای نویسندگان، ویراستاران، و خوانندگان راحت‌تر خواهد بود و از سردرگمی‌هایی که در این زمینه وجود دارد کاسته می‌شود. فارغ از اینکه از نظر علمی با تمام پیشنهادهای دستور خط فرهنگستان موافق یا مخالف باشیم، اصلاح مواردی از همان دستور خط یکسان و اطلاع‌رسانی برای این اصلاحات راحت‌تر از این است که چندین دستور خط در حوزهٔ نشر کتاب و ویرایش داشته باشیم. در کتاب‌های الکترونیکی برای آنکه کتابی در کتاب‌خوان‌ها بارگذاری شود و امکان نمایش در این نرم‌افزارها را داشته باشد، باید برخی از نویسه‌های نوشته‌ها تغییر کند و زمانی که کتاب‌های ناشری با دستور خط رایج تفاوت داشته باشد، فرایند آماده‌سازی کتاب طولانی‌تر و سخت‌تر خواهد شد.»

پژمان موسوی به موانع اعمال دستور خط اشاره کرد و گفت: «باید به جنبهٔ عملی این موضوع بپردازیم. امروز اساساً نمی‌توانیم دستور خط یکسانی داشته باشیم که خواست و انتظارات همه را برآورده کند. در این مسئله چند مانع اساسی وجود دارد که به نظر من خیلی به خط و زبان فارسی مربوط نمی‌شود. اول از همه خود نهاد فرهنگستان است که در دورهٔ کنونی فاصلهٔ زیادی بین آن و بیشتر نویسندگان و فعالان حوزهٔ نشر و فرهنگ افتاده است. بسیاری از مردم بر این باورند که فرهنگستان نهادی دولتی است که قصد دارد نظر و عقیدهٔ خود را به دیگران تحمیل کند و ازاین‌رو، به‌درستی یا به‌نادرستی، اهالی فرهنگ نیز توجهی به آرای فرهنگستان ندارند. از طرفی برخی از نویسندگان بنام نیز دربارهٔ دستور خط دیدگاه‌هایی دارند که به نظرشان به درست‌نویسی و مطالعهٔ بهتر متون کمک می‌کند. فارغ از اینکه نظر این نویسندگان درست باشد یا نه، اگر مؤسسه یا نشریه‌ای مایل باشد با این افراد همکاری کند، ناچار است دستور خط آنان را حفظ کند و این مسئله‌ای است که ما عملاً در آماده‌سازی نشریات با آن مواجهیم.»

هومن عباسپور بر این نظر است که یکدست کردن رسم‌الخط فارسی نه لازم است و نه ممکن. وی گفت: «یکدست کردن رسم‌الخط لازم نیست، چراکه عموم ایرانی‌ها، با وجود اختلافی که در رسم‌الخط‌های رایج وجود دارد، بیشتر متن‌های فارسی را می‌فهمند و این مسئله مانع فهم نوشته‌های فارسی نمی‌شود. اگر بخواهیم به موضوع جست‌وجوی رایانه‌ای در نوشته‌های فارسی بپردازیم، به نظر من به‌جای تدوین و آموزش رسم‌الخط یکسان به همهٔ مردم، که امری است ناممکن، بهتر است ابزارهای جست‌وجوی متن را به‌گونه‌ای طراحی کنیم تا رسم‌الخط‌های گوناگون را تشخیص دهند تا در آینده مشکلی برای جست‌وجو در منابع فارسی نداشته باشیم. وانگهی چه تضمینی هست که در رسم‌الخط واحد مفروضی که قرار است به مردم آموزش دهیم اشتباهی رخ نداده باشد و همهٔ موارد آن درست باشد؟ و اگر مردم این رسم‌الخط پیشنهادی را نپذیرند، چگونه و از طرف چه نهادی باید مردم را مجبور کرد تا این رسم‌الخط را بپذیرند و همهٔ متن‌ها را براساس آن بنویسند؟»

پاسخ‌های متنوعی که در این دو برنامه دریافت شد، پرسش‌های تازه‌ای را هم با خود آورد که جا دارد باز هم با کارشناسان دیگری در این زمینه صحبت کنیم. پوشهٔ صوتی رادیو ویرایش در دسترس همگان است.*

برنامه‌های بعدی رادیو ویرایش در فضاهای مجازی انجمن اطلاع‌رسانی خواهد شد.

چنانچه مایلید با این رادیو همکاری کنید به رایانامهٔ انجمن پیام بدهید.

anjoman.virastar@gmail.com

* پروندهٔ صوتی را در کست‌باکس، شنوتو و... بارگیری کنید.

چه بخوانیم؟

ویرایش ترجمه

■ نوشتهٔ نازنین خلیلی‌پور

■ منا رجبیه‌فرد

■ مخاطب اصلی کتابِ ویرایش ترجمه ویراستاران‌اند، اما خواندن آن به مترجمان نیز توصیه می‌شود؛ چه بسا، نخستین ویراستار هر متنِ ترجمه‌شده‌ای مترجم آن است.

مطالب کتاب، بعد از مقدمه، ذیل نُه عنوان از هم تفکیک شده‌اند. نویسنده ذیل عنوان «تلنگر» به تلقی نادرست نشر از وظیفهٔ ویراستار می‌پردازد و دایرهٔ مسئولیت ویراستار را از رفع غلط‌های املایی و اصلاح رسم‌الخط و نشانه‌گذاری فراتر می‌برد و به اهمیت ویرایش ترجمه و مراتب آن می‌پردازد. در این کتاب آمده: «وقتی از ویرایش ترجمه صحبت می‌کنیم باید دربارهٔ خودِ ترجمه هم حرف بزنیم و نمی‌توانیم مترجمان را نادیده بگیریم... ویرایش ترجمه نوعی نظارت بر ترجمه است و شاید با جدی گرفتن آن و مشخص کردن اصول و ضوابط آن قدری از بی‌دروپیکری عرصهٔ ترجمه کم شود.»

در این اثر، علاوه بر مباحث نظری دربارهٔ ترجمه، به نکاتی که باید در ویرایش ترجمه مدنظر قرار گیرد توجه شده است. ارزیابی ترجمه گام اول است که طی آن مشکلات کار، میزان مسئولیت ویراستار، و محدودهٔ مخاطبان کتاب تعیین می‌شود. تشخیص پانوشت‌های لازم و نالازم، ضبط اعلام، حفظ مرتبهٔ زبانی، افسون معنای اول، ساخت مجهول از نکاتی است که با مثال در این کتاب طرح شده است. خطاهای رایج مترجمان مانند درک نادرست از مطلب، افتادگی ترجمه، گرده‌برداری‌های نالازم نیز برشمرده شده است. ترجمهٔ حروف اضافه از مواردی است که نومترجمان را اسیر کلیشه‌های زبان انگلیسی می‌کند؛ آیا in, for, of, as a, from, by را باید عیناً برگردان کرد؟ ساخت‌های درست در زبان فارسی کدام است؟ آیا امانت در ترجمه یعنی تمام کلمات را عیناً و در جای خودشان باید ترجمه کرد؟ آیا باید به مترجم اعتماد کرد یا به تمام کلمات و جملات با ریزبینی نگریست؟

کتاب ویرایش ترجمه حاوی نکات مفیدی برای ویراستارانی است که متن ترجمه‌شده را ویرایش می‌کنند و از حدودوثغور مسئولیت خود و از گیرودار ترجمه و ویرایش کمتر آگاهی دارند. این کتاب در درس ویرایش ترجمه در دوره‌های نگارش و ویرایش انجمن، با تدریس نازنین خلیلی‌پور، محل مراجعهٔ دانشجویان است.

■ **چاپ نخست ویرایش ترجمه به همت انتشارات کتاب بهار در ۱۴۰۰ و چاپ دوم آن در ۱۴۰۲ روانهٔ بازار شد.**

موفقیت اعضا

■ دو مجموعه شعر کوتاه خانهٔ آبی و نهان در نهان، سرودهٔ شهریار جعفری منصور، منتشر شد (شمس کهن، ۱۴۰۲).

■ به ایشان تبریک می‌گوییم و برایشان آرزوی موفقیت و بهروزی روزافزون داریم.

تازه‌ها

شمارهٔ جدید مجلهٔ مترجم منتشر شد

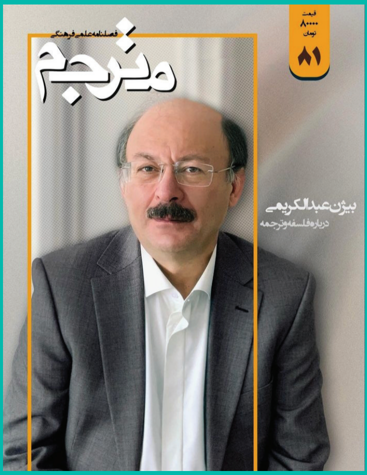

■ این شماره شامل اصول ترجمهٔ ساختار جمله/ پرسشگر پویندهٔ کُنهِ معنا؛ تأملی در آرای زنده‌یاد دکتر باقر پرهام/ نکته‌ای مهم در ویرایش متن‌های ترجمه/ ما و ترجمه و فلسفه؛ گفت‌وگو با بیژن عبدالکریمی/ مبنایی نظری برای انتخاب کتاب سال در حوزهٔ ترجمهٔ ادبی/ شفیعی کدکنی و نظریهٔ ترجمه‌ناپذیری/ چت‌جی‌پی‌تی؛ فرصت یا تهدید برای مترجمان؟/ وقتی که فارسی شکسته شد/ نکته‌هایی در باب ترجمه/سفرنامهٔ برادران شرلی؛ نگاهی به پیدایش یک ترجمهٔ مهم تاریخی/ لحظه‌های ناب شعر در اتفاق‌های روزمرهٔ زندگی/ آموزش ترجمه به‌طریق خودآموز (۴)/ در محضر استاد (۵) / محمدعلی اسلامی ندوشن/ ترجمهٔ نثر معاصر فارسی به انگلیسی/ جای خالی مترجم سخن‌شناس در ترجمهٔ جای خالی سلوچ/ پارادوکس ترجمه برای کودکان/ نگاهی زبان‌شناختی به تغییر نام شخصیت‌های کتاب‌های خردسالان در ترجمه/انگلستان در ۱۸۱۹/...

شمارهٔ جدید مجلهٔ جهان کتاب منتشر شد

احمد سمیعی (گیلانی)، آغاز بی‌انتها

در ستایش جوینده‌زیستن

بهنام رمضانی‌نژاد

■ یک قرن زیستن، جست‌وجوگری و زیستن، آموختن و زیستن، آموزاندن و زیستن، خستگی‌ناپذیری و زیستن، و زیستن و زیستن و زیستن. به‌راستی، چنین زیستنی را آغاز کجاست، طی‌طریق چگونه است، و انتها کجا؟

آیا آغاز زیستن همان لحظهٔ از بطن مادر زاده‌شدن است، مادرِ بارسفربسته از رشت به تهران از بیم یورش بلشویک‌ها؟ تا که انگار سرنوشت نوزادِ در راه در سفری مدام رقم بخورد؛ گویی که سوار بر قالی پرنده باشد و او را در هشت‌ماهگی به رشت ببرد و دیگربار در جوانی به تهران بازگرداند و پای درس ملک‌الشعرای بهار و بدیع‌الزمان فروزان‌فر و احمد بهمنیار بنشاند، و بعد در راه‌آهن به کار انشای مکاتبات اداری بگمارد و بعدتر، در هیئت نمایندگی کانون جوانان دموکرات، به اروپا بکشاند و شهر به شهر بگرداند و در بازگشت به سرزمین مادری به حبس بکشاند، حبس تلخ؛ تا اینکه این قالی پرنده، همان جست‌وجوگری خستگی‌ناپذیر مرد میان‌سال، بر بام فرانکلین فرود آید.

یا شاید آغازِ راه آن روز باشد که کودک گریزپا، در میدان باز پیش روی بلدیهٔ رشت، برنوک‌پاایستان، از لای درز تخته‌های حصار چوبی، به تماشای فیلم‌های صامت چشم می‌دوزد تا از آن دریچه دنیای نو را بنگرد چنان‌که دیدگان کودک بیناشده از هنر، در سال‌های جوانی، تاب چشم‌دوختن به سیاست نیاورَد و، در عوض، از آن روزهای پررنج زندگی سیاسی توشه برگیرد برای چند دهه عرق‌ریزان مستمر فرهنگی و کشف این نکته که در فرهنگ سواره است و در سیاست پیاده.

یا شاید آغاز آن زمان باشد که مادر خواندن را

احمد سمیعی (گیلانی)، آغاز بی‌انتها

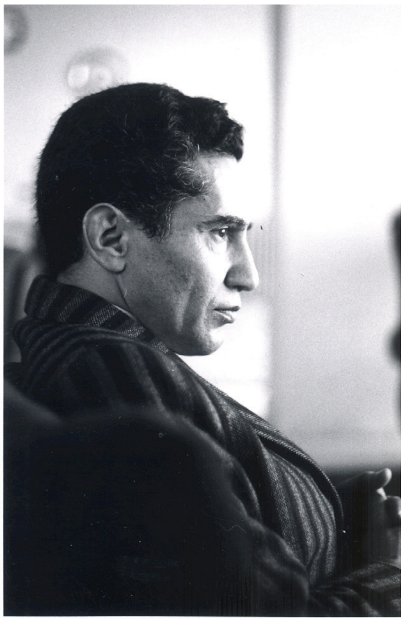

عکس‌ها از کریم امامی، دریافت‌شده از آرشیو گلی امامی

به او آموخت، پیش از آنکه در مدرسه بیاموزد؟

و همان باشد که تا پیرانه‌سری از هرچیز و از هرکس بیاموزد، چه آن کلام گیلکی همسر باشد که در میانهٔ بگومگوی زناشوهری بر زبان آورد و مرد میان‌سال فرزانه، خالی از هیاهو، کلام همسر را، که به گوشش تازه است، بر کاغذی بنویسد و چون گوهری ناب این کشف‌های زبانی را مایهٔ کاری ادبی کند و این‌طور خنده بر لبانشان آورد، و چه تدقیق در زبان زیرنویس فارسی فیلم‌های امروزی باشد در روزهای فراغت اجباری از کار ـ به توصیهٔ پزشک ـ و یادداشت بردارد در دفتری کوچک و بسان کودکی نوآموز با خط خوش پاک‌نویس کند.

شاید هم آغاز آن روزهای ده‌سالگی باشد که نوجوان آموختن زبان فرانسه را نزد برادر ارشد آغازید و این انس دهه‌ها ادامه یافت تا سرانجام نشان نخل آکادمیک فرانسه را بر سینهٔ او نشاند؟

و شاید، شاید آغاز زیستن آن روز باشد که چون مردان سیاست عرصهٔ دنیا را بر فرزانهٔ میان‌سال تنگ کردند و قالی پرنده را، که بر بام فرانکلین فرود آمده بود، در آن مقام اذن توقف داد و مسیر ناشناخته‌ای را آغازید. راه‌ای نرفته را پیمود و هموار کرد ـ وه چه سهل است در بیان و چه صعب است در عمل! ـ و به هر منزل که رسید پرچمی افراشت تا دیگرجویندگان راه گم نکنند:

از نظام‌دادن به امور تولید کتاب که ثمره‌اش چندین و چند شیوه‌نامه شد تا غور درخصوص حدود تصرف در متون ـ در این‌باره چه بارها که گریبان خویش را می‌گرفت پیر فرزانه ـ که در ویرایشِ منابع مرجع ستونی از ستون‌های اصلی شد؛

از اشاعهٔ ادبیات معاصر که مولودش در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در گروه ادبیات معاصر بالید تا آموزاندن راه و رسم ویرایش و پروردن معانی از راه نگارش و ویرایش به هزاران هزار جوان نادیده ـ و دریغا چه بارها که به دست مدرسان کج‌سلیقه نه از راه و رسم ویرایش نشان ماند و نه از پروردن معانی؛

از آموزاندن فوت‌وفن کار که ثمره‌اش نسل بعدی ویراستاران شد ـ حتی نوشتن از آن لرزه بر اندام می‌اندازد از هیبتش! ـ تا به دوش کشیدن بار امانت نامهٔ فرهنگستان که هیچ نوشتهٔ پرمحتوایی به عذر ظاهر ناآراسته و شکل پریشان از نظر دور نماند ـ و پیر فرزانه چه راسخ بود در این معنی و نور دیدگان چه کم‌سو کرد و چه مو سپید در این راه ـ؛

از ترجمه‌های خواندنی که هر کدام دریچه‌ای‌اند به جهان هنر و ادبیات و فلسفه با آن زبان بی‌همتای ممزوج قدیم و معاصر ـ و چه آسان‌خوان! ـ تا ویرایش‌های پرشمار گمنام و آشنا همچون از صبا تا نیما که کاوش در شیوهٔ کار هر کدامشان درسی است لازم برای هر ویراستار. به امیدش که روزی چنین شود!

و نمی‌توان از این همه گفت و از آرای ادبی ناب و پرمعنی پیر فرزانه نگفت. خواستاران را فراغتی باید در گل‌گشت‌های ادبی و زبانی و خلوت فکر پیر فرزانه.

و این‌گونه است که استاد احمد سمیعی (گیلانی) آغاز بی‌انتهاست.

اگر به رشت عزیزش سفر کنید او را در انتهای بوستانی موسوم به «ملت» خواهید یافت ـ شگفتا که او نیز برای ملتی زیست! ـ مشرف به چهارراهی، نظاره‌کنان ما در چهارراه حوادث زندگی.

به یاد ناصر پاکدامن

عکس از کریم امامی، دریافت‌شده از آرشیو گلی امامی

کشاکش پاکدامنیِ قلم و تردامنیِ گزلیک

عاطفه صادقی

در کشاکشی که سلاح پیرمرد گزلیک بود برای سرکوب‌هایش، او قلمی اثیری به دست داشت و دامن به درازا کشاند. رجّاله‌های آن سوی جوی‌ها سایه‌به‌سایه او را می‌پاییدند و انگشت سبابهٔ دست چپ را می‌گزیدند و خنده‌هایشان خشک بود از سر تردامنی.

پدر از نقش‌آفرینی در سیاست حذر داشت، اما چهارمین پسرش به سیاست گره خورد و به این رسالت وفادار ماند تا آخرین شامگاه عمرش. این فرزند ناخلف، ناصر پاکدامن، در ۱۳۱۱ در تهران چشم به جهان گشود. در دبستان قلمش از قلم‌های سرشناس بود. زمان تحصیل در دبیرستان علمیه، مدیر مدرسه صاحب روزنامهٔ هراز بود و به پیشنهاد ناصر پذیرفت روزنامهٔ علمیه را ضمیمهٔ هراز منتشر کند. طی انتشار این روزنامه و سال‌نامهٔ مدرسه با چاپخانه و بوی سرب خو گرفت؛ بویی که سالیانِ سال در مشامش باقی ماند.

گاه در فراغت از مدرسه و گاه در گریز از مدرسه، رهسپار کتابخانهٔ پدربزرگش می‌شد تا کتاب‌های غیردرسی بخواند. ناصرِ جوان آخرین سال دانش‌آموزی‌اش را در مدرسهٔ دارالفنون می‌گذراند که صادق هدایت خودکشی کرد؛ هدایتی که بر آن بود جغدها را براند از سرو ایران و به‌جایش فاخته بنشاند. او بود که پاکدامن را هدایت کرد به کیش خود، از بدر جوانی تا محاق سال‌خوردگی و حتی پس از آنکه او در سایهٔ آن قلم‌زن اثیری به خواب ابدی فرورفت.

پاکدامن در رشتهٔ اقتصاد دانشگاه تهران درس خواند. در ایام دانشجویی مسیر مقاله‌نویسی برایش هموار شد. علم و زندگی اولین مجله‌ای بود که مقاله‌ای کوتاه در آن نوشت و نیز به هیئت‌تحریریهٔ هفته‌نامهٔ دانشجویان ایران پیوست. سپس

کشاکش پاکدامنیِ قلم و تردامنیِ گزلیک

از سردبیران مجلهٔ سخن زیر نظر خانلری شد.

در همین ایام، با احراز رتبهٔ نخست دانشجویی توانست از بورس تحصیلی دکتری اقتصاد در پاریس بهره‌مند شود و در همان زمان زندگی مشترک او با هما ناطق، تاریخ‌نگار، آغاز شد. در پاریس، ابتدا در روزنامهٔ اطلاعات قلم زد. بعدتر نشریهٔ نامهٔ پارسی را پی نهاد که غالب مقاله‌هایش نوشتهٔ دانشجویان ایرانی بود. در ۱۳۳۸، سه شماره از آن منتشر شد، اما در پی اعتراض سفارت تهران چاپش متوقف شد.

پاکدامن در «جامعهٔ سوسیالیست‌های ایرانیان در اروپا» فعالیت می‌کرد و نیز «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی» را سازماندهی می‌کرد که او را از رسیدگی به امور درسی بازمی‌داشت، اما به هر روی رساله‌اش را نگاشت. دکتر پاکدامن گرچه در دانشگاه پاریس تدریس می‌کرد، همواره برای تدریس در سرزمین مادری نبضش می‌تپید. به ایران بازگشت، اما دخالت‌های ساواک سد راهش شد. با این حال، توانست چند صباحی تدریس کند. در نهایت، حکم اخراجش صادر شد.

پس از آن، به این باور رسید اگر زیر فشار سرکوب کار کند، دستش لای ماشین سرکوب می‌رود. در این میان، مأمن خود را در ادیتوریالِ فرانکلین یافت و زیر نظر کریم امامی تمام‌وقت کار کرد. معمولاً ویرایش کتاب‌های علوم انسانی، به‌ویژه مجموعه‌های اقتصادی ـ اجتماعی، را عهده‌دار می‌شد، همچون مجموعهٔ چندین‌جلدی جامعه و اقتصاد. او همچنین ترجمهٔ احمد سمیعی (گیلانی) از چیزها اثر ژرژ پرک را ویرایش کرد. از کارهای مؤثر او برای تاریخ نشر ایران راهنمایی دو رساله بود: یکی درخصوص انتشارات فرانکلین و دیگری دربارهٔ توزیع کتاب.

همچنین، مدتی جزو هیئتی بود که بر انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا نظارت داشتند و سفارش برای انتشار آثار را توصیه می‌کردند. ویرایش در انتشارات امیرکبیر از آخرین فعالیت‌های ویرایشی‌اش بود. او در سمینار کتاب (۱۳۵۵) نیز حضوری نافذ داشت. در این نشست بنا بود برای برون‌رفت از ممیزی کتاب راهکاری یافته شود. پاکدامن نگاه نادرست حاکم بر سانسور را نقد کرد و نشان داد عده‌ای نااهل دربارهٔ نشر و کتاب تصمیم می‌گیرند. در همین راستا از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران شد. و بعدتر، از دیگر کوشش‌هایش در این خصوص انتشار نامهٔ هم‌بستگی بود به‌منظور دستیابی به اهدافی همچون لغو سانسور، حمایت از زندانیان سیاسی، بازگشت استادان اخراجی، آزادی مطبوعات.

پس از مدتی زندگی مخفیانه، ناگزیر در سال ۱۳۶۰ دیگربار ایران را به مقصد فرانسه ترک گفت. در دانشگاه «پاریس هفتم» استخدام شد و کرسی ثابت استادی را از آن خود کرد. با گاهنامهٔ الفبا و غلام‌حسین ساعدی همکاری‌ها کرد و پس از درگذشت ساعدی در گاهنامهٔ چشم‌انداز. پاکدامن در این گاهنامه روایتی نو از بوف کور مطرح کرد. همچنین، در کتاب‌های وغ‌وغ ساهاب و هشتادودو نامه به حسن شهید نورائی مهری زد بر ارادتش به هدایت. کتاب قتل کسروی نیز از دیگر آثار اوست.

دکتر ناصر پاکدامن، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم، ویراستار، پژوهشگر در سوم اردیبهشت ۱۴۰۲ دیده از جهان فروبست. در مراسم وداع با او در گورستان پرلاشز یکی از دانشجویانش چنین یاد او را پاس داشت: «همیشه‌استادم» همیشه می‌گفت: هرگز فراموش نکن ما پیروز هستیم!

عکس از کریم امامی، دریافت‌شده از آرشیو گلی امامی

جاودانگی شعر دیگران سرودن است،
خواب دیگران غنودن است،
در خیال این و آن،
جاودانه بودن است.

علی محمد حق‌شناس

میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی

۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۰ ـ ۲۰ مهر ۱۴۰۲

■ چهارمین فرزند زین‌العابدین ادیب‌سلطانی، رئیس معارف و صنایع مستظرفه، و بتول‌آغا، شاعر متخلص به «صبور»، بود. کودکی و دوران مدرسه را، به‌سبب شغل پدر، در بروجرد و سنندج و زنجان گذراند. در کودکی، زبان فرانسه را با خواندن کتاب‌ها آموخت. از طریق رادیو بی‌بی‌سی انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۴۱ مدرک دکتری خود را از دانشکدهٔ پزشکی تهران دریافت کرد. در ۱۳۴۲ با بورس تحصیلی دولت اتریش به وین رفت تا دربارهٔ بیماری‌های روانی و درمان آن‌ها تحقیق کند. زیر نظر دکتر گوستاو هوفمان تحقیق خود را به پایان رساند. مدتی در لندن و در پاریس در رشتهٔ تحصیلی خود فعالیت کرد. در بازگشت به ایران در ۱۳۴۷ به رشتهٔ علوم انسانی و ریاضیات گرایش یافت و به پیشنهاد کریم امامی، سرویراستار مؤسسهٔ فرانکلین، در سمتِ ویراستار ارشد مشغول به کار شد. ویراستاری در کنار توجه ویژهٔ ادیب‌سلطانی به زبان‌شناسی و ریشه‌شناسی زمینه‌سازِ تلاش‌های او برای بهره‌گیری از واژه‌های کهن فارسی دری و استفاده از ریشه‌ها و وندهای زبان پارسی میانه، پارسی باستان و اوستایی به قصد توانمند ساختن زبان فارسی شد. علاقه‌ای که در تمام نوشته‌های او ظهور یافت و زبان خاصِ نوشته‌های ادیب‌سلطانی را رقم زد.

درآمدی بر چگونگی شیوهٔ خطِّ فارسی و راهنمای آماده ساختن کتاب حاصل دورهٔ همکاری او با انتشارات فرانکلین بود. در فرانکلین ویرایش متون تخصصی فلسفه و منطق و ریاضیات را بر عهده داشت و افراد بسیاری از جمله علی صلح‌جو و محمد حیدری ملایری ویرایش را زیر نظر او آموختند.

ادیب‌سلطانی در فرانکلین کتاب‌های علمی و فلسفی، از جمله ترجمه‌های عزت‌الله فولادوند و علی جواهرکلام را ویرایش می‌کرد و همواره اصلاحات خود در متن را با نظر خود مترجم اعمال می‌کرد. در آن زمان نظر او در ویرایش این بود که ویراستار باید به مترجم اعتماد کند.

ادیب‌سلطانی و فلسفه و ادبیات

■ او انتقال‌دهندهٔ دانش منطق و فلسفه از جهان غرب به فارسی‌زبانان و مترجم متون دست اول این حوزه بود. در منطق، کتاب منطق ارسطو (ارگانون) را بر پایهٔ متن یونانی با پیش‌گفتاری نسبتاً طولانی و پانوشت‌ها و واژه‌نامهٔ یونانی‌فارسی و کتاب بنیادهای منطق نگریک از هیلبرت و آکرمان را از آلمانی برگرداند، کتابی که بسیاری آن را در شمار کتاب‌های دشوار منطق دانسته‌اند. در فلسفهٔ محض، سنجش خرد ناب اثر کانت را از آلمانی و جستارهای فلسفی اثر برتراند راسل را از انگلیسی و رسالهٔ منطقی‌فلسفی اثر لودویک ویتگنشتاین را از آلمانی برگردان کرد. در منطق ریاضی، پژوهشی در پیرامون مسئلهٔ تصمیم در منطق و همچنین رسالهٔ وین را تألیف کرد. در ادبیات کلاسیک، بودن یا نبودن (تک‌گفتار هملت در سوگ‌نامهٔ هملت) و سوگ‌نمایش شاه ریچارد سوم سرودهٔ شکسپیر را از انگلیسی ترجمه کرد.

ادیب‌سلطانی و نقاشی

■ در نقاشی و موسیقی کلاسیک نیز صاحب‌نظر بود. نقاشی را خود فراگرفت و در نقاشی با رایانه دست به تجربه‌های تازه‌ای زد و آثاری ابتکاری در این سبک آفرید. نقاشی‌های او به سبک کلاسیک و مدرن بود و در نقاشی پرتره توانا بود. نمایشگاهی از تابلوهای او در ۱۳۴۷، به پیشنهاد کریم امامی، در گالری بهمن بروجنی در تهران و بار دیگر در بهمن ۱۳۶۵ در محل کتاب ظفر (نشر نقره) برپا شد.

آشنایی با زبان‌ها

■ ادیب‌سلطانی نبوغی بی‌نظیر در یادگیری زبان‌ها داشت. از نگاه او هر اثری را در همان زبانی که متولد شده باید خواند و ترجمه کرد، ازاین‌رو، هرگز از زبان واسطه ترجمه نمی‌کرد، البته ترجمه‌های زبان‌های دیگر را از نظر دور نمی‌گذاشت. وی به زبان‌های بسیاری آشنایی داشت و زبان‌دانی او را همگان تحسین می‌کردند.

توصیف ادیب‌سلطانی از زبان دیگران

■ عبدالحسین آذرنگ

اسطوره‌ای از کمال‌پرستی، تلاش، پشتکار، دقت بود.

■ رضا داوری اردکانی

ادیب‌سلطانی از حیث وسعت دانش و اطلاعات کم‌نظیر و شاید در میان ما بی‌نظیر بود.

■ محمد زارع شیرین کندی

اصالت کار، دقت نظر، وفاداری به متن اصلی، باریک‌بینی و موشکافیِ ادیب‌سلطانی در کنار دانش تحسین‌انگیز و اعجاب‌آور او در زبان‌شناسی و هنر و ادبیات و فلسفه از او چهره‌ای یگانه و ممتاز ساخته است.

■ فرخ امیرفریار

شبیه هیچ مترجمی نبود!

محمد حیدری ملایری

ملایر، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۶ ـ پاریس، ۱۰ اسفند ۱۴۰۱

■ در ملایر زاده شد و در خانواده‌ای فرهنگ‌دوست پرورش یافت. در نوجوانی با خانواده به تهران آمد. تحصیلاتش را تا کارشناسی رشتهٔ فیزیک در دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران ادامه داد و در ۱۳۴۸ فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۵۰ به جمع ویراستاران مؤسسهٔ فرانکلین پیوست و ویرایش متون تخصصی فیزیک و نجوم را عهده‌دار شد. در ۱۳۵۳ با بورس دولت فرانسه به پاریس رفت تا در رشته‌های اخترشناسی و اخترفیزیک تحصیل کند. در ۱۳۵۸ دکتری سیکل سوم و در ۱۳۶۲ دکتری دولتی را که بالاترین مدرک تحصیلی فرانسه به شمار می‌آید اخذ کرد و چندی بعد پست رسمی «اخترشناس» در رصدخانهٔ (به قول خودش: نپاهشگاه) پاریس به وی داده شد و تا مرتبهٔ استادتمام با آنجا همکاری داشت. در ۱۳۶۴ به گروه اخترشناسان رصدخانهٔ بزرگ اروپا (ESO)، که در کشور شیلی قرار دارد، پیوست و تا ۱۳۷۱ در آنجا فعالیت‌های پژوهشی خود را دنبال کرد. هم‌زمان، از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰، معاونت دپارتمان اخترشناسی رصدخانهٔ اروپایی را هم بر عهده داشت. او همچنین مشاور علمی سازمان‌های گوناگون پژوهشی اخترشناسی اروپایی و امریکایی و استاد راهنمای پایان‌نامه‌های دکتری اختر فیزیک چندین پژوهشگر اروپایی بود.

از محمد حیدری ملایری بیش از صد مقالهٔ علمی به جا مانده است. همچنین گفت‌وگوهای ویدیویی با او دربارهٔ اصطلاح‌شناسی علمی زبان فارسی و پیشینهٔ زبان فارسی و مباحث علمی اخترفیزیک در چندین وبگاه قابل دسترس است.

مؤسسهٔ فرانکلین، ویراستاری

■ زمانی که کریم امامی سرویراستاری مؤسسهٔ فرانکلین را به عهده داشت، حیدری ملایری به بخش ادیتوریال آنجا پیوست. دانش و دقتی خاص در ویرایش و ترجمهٔ متون تخصصی فیزیک و نجوم داشت و طی سه سال بیش از ده کتاب در حوزهٔ فیزیک و اخترشناسی از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد. با مجلهٔ کتاب امروز و نشریات دیگری همکاری داشت. در واژه‌سازی و معادل‌سازی برای اصطلاحات بیگانه دقتی کم‌نظیر داشت.

عبدالحسین آذرنگ دربارهٔ او نوشته است: من در ۱۳۵۱ در مؤسسهٔ انتشاراتی فرانکلین استخدام شدم. با کتاب کار کرده بودم، امّا با دانش فنی نشر آشنایی نداشتم. اصول ویرایش ترجمه و متن را محمد حیدری ملایری، اکنون از اخترشناسان بنام در فرانسه، به من آموخت. خود او ویرایش را از دکتر میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، از ویراستاران با سابقهٔ آن مؤسسه و مسلط بر چند زبان، فراگرفته بود. با روشی بر پایهٔ این اصل: مراعات کردن حداکثر دقت، دخالت ندادن سلیقه و نظر شخصی ویراستار تا حدّ ممکن (نشر مطلوب، ص ۲۷۶).

حیدری ملایری فیزیک خوانده بود، ذهنی دقیق و علمی داشت، خوش‌خط‌وربط، همراه، مهربان، مسئول، منظم و مؤدب بود. او از چند جهت بر من حق معلمی دارد (استادان و نااستادانم، ص ۹۹).

اخترشناس و اخترفیزیک‌دان برجستهٔ جهانی

■ او رهبر گروهی از اخترفیزیک‌دانان بین‌المللی بود که دربارهٔ پیدایش ستاره‌های پرجرم و تأثیر این ستارگان در محیط پیرامونشان مطالعه می‌کنند. تعیین جرم بیشینهٔ ستارگان یکی از نتایج مطالعات علمی دکتر حیدری ملایری به شمار می‌رود. قبلاً تصور می‌شد ستارگان می‌توانند جرمی تا حدود ۵۰۰ برابر جرم خورشید داشته باشند، اما دکتر حیدری ملایری ثابت کرد که چنین ستاره‌هایی وجود ندارند و نشان داد که ستاره‌های پرجرم‌تر از ۱۲۰ برابر جرم خورشید درواقع یک ستاره نیستند، بلکه از گروه ستارگان کم‌جرم‌تر تشکیل شده‌اند که چون بسیار تنگاتنگ هم قرار گرفته‌اند، آن‌ها را یک ستاره می‌پنداشته‌اند. این دستاورد پیامدهای مهمی برای شناخت چگونگی به وجود آمدن ستارگان پرجرم داشته است.

فرهنگ ریشه‌شناختی اخترشناسی و اخترفیزیک

■ حیدری ملایری در زبان‌شناسی تطبیقی و ریشه‌شناسی زبان‌های آریایی پژوهش بسیار کرد. با زبان‌های پهلوی، فارسی باستان، اوستایی، سنسکریت، یونانی و لاتین آشنایی داشت و دربارهٔ حدود بیست گویش زبان فارسی به پژوهش پرداخت و دستاورد این تلاش‌ها، تألیف و تدوین «فرهنگ ریشه‌شناختی اخترشناسی و اخترفیزیک»[1] به زبان‌های انگلیسی ـ فرانسه ـ فارسی است.

حسن فتاحی (نقل از روزنامهٔ شرق، ۲۵ اسفند ۱۴۰۱) دربارهٔ او نوشته است: «او از اندک افرادی بود که خطری بزرگ را حس کرده بود؛ خطر جا ماندن زبان فارسی از روند جهانی دانش. او بر این باور بود که زبان فارسی باید همپای دیگر زبان‌های دنیا، که واژگان جدید دانشی را تولید می‌کنند و سپس به هر زبانی ترجمه می‌کنند، این کار را انجام دهد. در همین ایران خودمان برخی بر این باورند که فارسی زبان شعر و ادبیات است و نیاز نیست واژگان دانشی برای فیزیک و ریاضی و شیمی ساخته شود.

بدون هیچ اغراقی در چند سال گذشته، هیچ کس به اندازهٔ استاد ملایری در ساختن واژگان فارسی برای واژگان اخترشناسی و فیزیک کوشا و توانا نبوده است. حیدری ملایری کار سترگی را انجام داده و آن فرهنگ ریشه‌شناختی انگلیسی فارسی فرانسوی است. این فرهنگ درجه‌یک و پرکاربرد درواقع فقط معنای واژگان را در بر ندارد، بلکه چراغی برای فرهنگ و تمدن ایران روشن کرده است. دکتر حیدری ملایری همواره تأکید داشت که دانش‌آموزان ایرانی باید با دانش نوین آشنا باشند و کتاب‌های درسی آن‌ها باید به‌روزرسانی شود.»

به یاد استاد محمد حیدری ملایری؛ دانشمندسره‌گرا

■ کوروش جنتی (نقل از وبگاه خبری زردشتیان) دربارهٔ او نوشته است: «ملایری عاشق ایران و زبان پارسی بود و به وارونهٔ بسیاری از کسانی که تا پایشان به فرنگستان می‌رسد گفتار و نوشتارشان پر از واژه‌های فرنگی می‌شود، با رویکردی سره‌گرایانه در راستای توانمندسازی زبان پارسی می‌کوشید. حیدری ملایری در واژه‌گزینی ادامه‌دهندهٔ راه محمود حسابی و میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی بود؛ یعنی نگاهی ریاضی‌وار به زبان داشت. بر آن بود که زبان به‌ویژه در زمینه‌های دانشورانه باید دقیق یا چنان‌که خود برساخته بود «پَرسون» باشد. حیدری به پشتوانهٔ رشته‌اش از کمبودهای واژگانی زبان پارسی در زمینه‌های دانشیک نیک آگاه بود و می‌کوشید، با بهره‌گیری از امکان‌های واژه‌سازی، پارسی را در تَرابرد (انتقال) پَرمانه‌های دانشیک (مفهوم‌های علمی) توانمندتر سازد.

او همچنین به نقش پیشوندها و پسوندها در پویایی و زایایی دستگاه واژه‌سازی زبان پُرنگر بود و می‌کوشید پیشوندها و پسوندهای باستانی را بازیِزیواند (احیا کند)؛ چنان‌که پیشوند منفی‌ساز «اَ» را به کار می‌بست و پیشوند «پوروا» را هم‌ارز proto قرارداد کرد.

برونداد شیوه‌ای که او در پیش گرفته بود واژه‌نامهٔ بزرگی شد پر از نوواژه‌هایی که اگرچه گاه بسیار ناآشنا و عجیب به نگر می‌رسند، ولی دقیق و کارآمد هستند.»

[1] این فرهنگ در تارنمای زیر قابل بازیابی است:
https://dictionary.obspm.fr/?formSearchTextfield=generator&formSubmit=Search&showAll=1